

داد مظلومیت

آقا امام زمان (عج)

علی عباسی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

و صلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم

سبحان الله العظيم الذي لا يظلم أحد شيئا

عباسی ، علی ۱۳۳۵ -
 داد مظلومیت آقا امام زمان ، " عج " / مؤلف علی عباسی -
 مشهد : منتظران ظهور ، ۱۳۸۱ .
 ۹۶ ص . ۴۵۰۰ ریال : ۱۲_۳ _ ۵۷۶۱ _ ۹۶۴ ISBN
 فهرست نویس بر اساس اطلاعات فیپا .
 ۱ . محمد بن حسن (عج) امام دوازدهم ، ۲۵۵ق .
 -- رویت . ۲ . مهدویت -- انتظار . الف . عنوان .
 ۲۹۷/۴۶۲ .
 ۲۴۵۲ع / ۲۲۴/۴ BP
 کتابخانه ملی ایران
 ۱۰۵۶۹ - ۸۱ م

نام کتاب داد مظلومیت آقا امام زمان (عج)

مؤلف علی عباسی
 همراه مؤلف ۰۹۱۱۵۱۱۱۷۲
 ناشر انتشارات منتظران ظهور
 لیتوگرافی منتظران ظهور
 حروفچینی منتظران ظهور
 شمارگان ۳۰۰۰ نسخه
 نوبت چاپ اول
 تاریخ چاپ تابستان ۸۱
 قیمت ۴۵۰ تومان
 مراکز پخش : مشهد مقدس ، خواجه ربیع ۴ ، پلاک ۶
 تلفن ۷۲۵۰۲۱۲ . قم : تلفن ۲۹۱۵۹۹۸
 کرمان : مرکز فعالیتهای اسلامی صاحب الزمان
 تلفن ۳۳۱۲۰۲۰

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَعَلَى

أَقْبَامِهِمْ بِصَلَاةِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَهْلِ الْبَيْتِ

عَنْ جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ وَتَسْلِيمًا لِمَنْ فِي الْأَرْضِ وَمِنْهَا

سَلَامًا وَجَنَابًا وَبَرَاهًا وَجَاهًا وَعَمَّا وَعَنْ عَيْنٍ وَلَدٍ

مِنَ الصَّلَاةِ نَعْمَةً بِرَحْمَةِ اللَّهِ وَمِنْ ذَلِكَ كَلَامًا

لِحَصْبَاءِ عَمَلٍ وَجَاهٍ بِرَحْمَةِ اللَّهِ

داد مظلومیت
آقا
امام زمان «عج»

مؤلف
علی عباسی

اهداء

تقدیم به حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام که با شناخت
امام زمان خویش یک لحظه او را تنها نگذاشت. و با والاترین
ایثار در جهان. بزرگترین درس امام شناسی را تا آخر خلقت به
همه عالمیان به زیباترین شیوه آموخت. انشاءالله که ما شاگردان
خوبی برای آن اُستاد معرفت باشیم. و با یاری رساندن به امام
زمانمان قلب چاک چاک آن مظلوم بزرگوار را شاد گردانیم.

اغلب مردم از کتابهای قطور روگردان شده اند ؛ چرا که معتقدند نه وقت مطالعه آن را دارند و نه حوصله نسل های گذشته را . از نظر مادی هم جای هیچ شکی نیست که هر چه کتاب صفحاتش کمتر باشد قیمت آن پائین تر خواهد بود . وانگهی مردم این دوره از نظر رشد فکری و فراوانی رسانه های ارتباط جمعی با دوره های قبل قابل قیاس نمی باشند . لذا دیگر نویسنده برای رساندن یک مطلب نیاز به توضیحات اضافی ندارد . به قول معروف « العاقل فی الاشاره » از این رو ما با دیدن این تحولات کتاب حاضر را بسیار مختصر و به زبان محاوره در دسترس خوانندگان عزیز قرار داده ایم .

پیشگفتار

سرگرم نوشتن کتابی بودم به نام «چهل قدم تا بهشت» در این کتاب، چهل نکته برای بهتر زندگی کردن انتخاب شده. که مطابق با دستورات دین مقدس اسلام می باشد. یکی از مطالب این کتاب را سر فصلی به نام (درد آقا امام زمان «عج») تشکیل داده است. که در آخر همین کتاب مطالعه خواهید فرمود. روزی یکی از دوستان خوبم که از عاشقان آقا امام زمان «عج» می باشد به منزل من آمده بود. از آنجایی که عادت دارم نوشته هایم را به اهل نظر نشان دهم. تا اشتباهاتم را توسط راهنمایی آنها برطرف سازم، به همین منظور سر فصل مذکور را برای ایشان شروع به قرائت نمودم.

چند خطی بیش نخوانده بودم که دوستم حال خوشی پیدا کرد، و اشک در چشمانش حلقه زد. پس از تمام شدن مطلب رو کرد به من و گفت: چرا همین عنوان را دنبال نمی کنی؟ چه نکته ای از این زیباتر، چه راهی تا بهشت از این راه

پیشگفتار

بهتر و نزدیکتر؟ چه وظیفه ای از این مهمتر بر گردن انسان که مردم را از احوال امام زمانشان با خبر سازی؟

خلاصه، سخنانی که گویی از او نبود، بر زبان آورد. من در آن جلسه چیزی نگفتم، ولی بعداً تصمیم گرفتم، پیشنهادش را به فال نیک گرفته و آن را به عنوان خواسته آقا امام زمان «عج» احساس کنم. از این رو شروع به نوشتن این کتاب نمودم که امیدوارم مورد رضایت آن بزرگوار قرار گیرد. و پاداشم را کسب معرفت وجود مقدس خودشان قرار دهند.

از شما خواننده مهربان که با تهیه این کتاب سعی در بیشتر آشنا شدن با امام زمان (عج) خود را دارید، جداً تشکر می کنم؛ و از خداوند متعال می خواهم تا شما را در این راستا، با دست پر محبت آقا امام زمان «عج» کمک و یاری فرماید.

هیچ هدفی از هدف شما مقدس تر در هیچ دوره از زمان نه وجود داشته، و نه وجود خواهد داشت. چرا که اولین وظیفه انسان در هر زمانی شناخت مولا و امام زمانش می باشد و در

پی این شناخت: یاری و مدد رسانی به آن وجود مقدس مطابق با دستوراتشان خواهد بود.

امیدوارم این کتاب بتواند مؤثر و مفید واقع گردد و شما را جهت شناخت بیشتر، و یاری آن حضرت، کمک نماید.

باشد که شما هم برای من دعا کرده و از خداوند متعال بخواهید که این حقیر را در خدمت گزاری به آقا امام زمان «عج» یاری و کمک فرماید. و با نزدیک گرداندن ظهور آقا، قلب مادرش حضرت زهرا (س) را شاد و همه شیعیان را سعادت‌مند گرداند.

مشهد مقدس

علی عباسی

تنها ترین غمخوار

قبل از هر چیز، باید این مطلب را پذیرفت که مسئله مظلومیت آقا امام زمان «عج» ، موضوعی نیست که بشود به راحتی آن را مطرح نمود؛ چرا که همانند فرمول ریاضی نیست که بتوان آن را حفظ نموده و با قاعده ای مشخص، موضوع را حل کرد. بلکه این دردیست که فقط به فقط باید طی مراحل آن را درک کرد و پیمودن این مراحل خود کاریست بس دشوار، به گونه ای که انتقال آن به دیگران سخت می باشد. به امید آنکه آن وجود مقدس ما را در این مشکل یاری فرمایند.

واژه داد

واژه داد، به مانند بیشتر واژه ها در فرهنگ و ادبیات ما معانی مختلفی دارد که هر کس به فراخور هدفی که دارد از آن استفاده می نماید. جا دارد در اینجا یادآور شویم که منظور ما از بکار گیری این واژه « فریاد و فغان » می باشد.

حال این فریاد و فغان هم می تواند برای بدست آوردن حق هم برای پوشاندن حق باشد. هم می تواند بر اثر ظلم ایجاد شود و

هم برای ایجاد ظلم : به این منظور که درجایی از دهان ظالم برای بوجود آوردن ظلم خارج شود یا درجایی از دهان مظلومی ناشی از ظلمی که بر او شده باشد . که البته منظور ما فریاد و فغانی است که بر اثر ظلم ظالم از دهان مظلومی خارج شده باشد .

مظلوم کیست ظلم چیست ظالم کیست ؟

مظلوم را می توان به دو شکل معرفی نمود . یکی به معنای کسی که بر او ظلم و ستمی روا شده باشد و دیگر به کسی که قدر و ارزش او ، ندیده گرفته شده باشد .

پس با این حساب می توان گفت ، واژه ظالم را هم می توان به دو دسته اطلاق نمود . اولین گروه کسانی که ظلم و ستم می کنند و دسته دیگر آنان که قدر و ارزش کسی را نادیده می گیرند ؛ ولی در هر دو دسته یک صفت مشترک وجود دارد و آن این است که هر دو گروه باطل را در جایگاه حق قرار می دهند و با این عمل حق را پایمال کرده و باطل را حق جلوه

می دهند . پس برای تعریف کلی ظلم و ظالم می توان گفت :
قرار دادن باطل در جایگاه حق ظلم، و آن کسی که این عمل را
انجام می دهد ظالم می باشد

حال با دو مثال هر دو معنای مظلوم و ظالم را می توان چنین
بیان نمود .

۱- همانطور که عده ای که بر گردن آقا امیر المؤمنین
(علیه السلام) ریسمان افکندند ظالم شناخته شدند . به همان
میزان کسانی که ارزش حضرت را ندیده می گیرند و ایشان را
در ردیف آن سه ملعون قرار می دهند ، ظالم می باشند.

۲- همانگونه که حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) توسط تبلیغات
و نقشه های شوم دشمنان بیگانه مورد ظلم قرار گرفته و مظلوم
واقع شده اند شاید به همان میزان اگر از طرف ما قدر و ارزش
آن حضرت نادیده گرفته شود آن بزرگوار را مظلوم و مورد ظلم
و ستم قرار داده ایم .

اکنون با تعاریف فشرده ای که از مظلوم و مظلومیت، ظلم و ظالم شد چه خوب است بینیم مظلوم واقعی کیست و چه کسانی و به چه طریقی به او ظلم روا داشته اند؟

همان طور که می دانید هر کسی و هر چیزی به گونه ای در دل ما جایگاهی دارد، همانند همسر، فرزند، دوست، همکار، ماشین، برنامه های تلویزیون، ماهواره، سی دی، فوتبال و ... این را هم قبول دارید که برای هر کدام وقتی در زندگی خود قرار داده ایم، حالا من از شما سؤال می کنم چرا در میان این همه، اسمی، جایی و وقتی برای آقا امام زمان (عج) وجود ندارد، به راستی این ظلم نیست و آن وجود مقدس مظلوم واقع نشده است؟ کدام یک از ما همان مقدار وقتی که برای همسر، بچه، فوتبال، برنامه های تلویزیون و غیره... در روز گذاشته ایم، برای امام زمان قرار داده ایم.

برای مظلومیت آقا همین بس که به اندازه یک برنامه تلویزیون برای آن وجود مقدس وقت نمی گذاریم. آیا این

مظلوم کیست ظالم چیست ظالم کیست؟

مظلومیت نیست؟ آیا این تا حدودی نادیده گرفتن قدر و ارزش
آقا امام زمان (عج) نیست؟

این توهین است،

این نمک شناسی است.

می خواهید بیشتر بدانید کجا این آقا مظلوم واقع شده

است؟!

آنجایی که یک شیعه به جای این که صبح جمعه برای

تعجیل در امر فرج مولایش دعای ندبه بخواند، به سبب خستگی

شب گذشته که تا نیمه های شب مشغول گناه بوده است، چنان

به خواب غفلت فرو رفته، که گویا فراموش کرده که آن

بزرگوار در انتظار دعای شیعیانشان میباشند

دیدار با دلداد

یکی از تجار اصفهان که مورد اعتماد من و گروهی از

علماء بود نقل می کرد: من در منزل، اطاق بزرگی را به عنوان

حسینیه اختصاص دادم و اکثراً در آنجا روضه خوانی می‌کنم. شبی در خواب دیدم که از منزل خارج شدم و به طرف بازار می‌روم، ولی جمعی از علماء اصفهان به طرف منزل ما می‌آیند، هنگامی که به من رسیدند پرسیدند: فلانی کجا می‌روی؟ مگر نمی‌دانی در منزلت روضه است؟! گفتم: نه منزل ما روضه نیست. گفتند: چرا منزل شما روضه است و ما هم به آنجا می‌رویم. و حضرت بقیةالله «عج» هم آنجا تشریف دارند. من با عجله خواستم به طرف منزل بروم که آنها به من گفتند: با ادب وارد منزل شو. من با ادب وارد شدم، دیدم گروهی از علماء در حسینیه نشسته اند و حضرت ولی عصر «عج» در بالای مجلس نشسته است. هنگامی که به قیافه آن حضرت دقیق شدم گمان کردم که وی را در جایی دیده‌ام. از این رو از آن حضرت پرسیدم: آقا من شما را کجا دیده‌ام؟ فرمود:

همین امسال در مکه در آن نیمه شب در مسجدالحرام، هنگامی که آمدی نزد من و لباسهایت را نزد من نهادی به تو گفتم: مفاتیح را زیر لباسهایت بگذار!

تاجر اصفهانی می گفت همین گونه بوده است. زیرا یک شب در مکه خواب از سرم پریده بود، با خود گفتم: چه بهتر که به مسجدالحرام مشرف شوم، به اطراف نگاه می کردم تا کسی را ببینم لباسهایم را نزد او گذاشته وضو بگیرم. دیدم آقای در گوشه‌ای نشسته است، خدمتش رسیدم و لباسها را نزد او نهادم خواستم مفاتیح را روی لباسها بگذارم، فرمود: مفاتیح را زیر لباسهایت بگذار، من دستور او را انجام دادم سپس رفتم وضو گرفته برگشتم، آنگاه تا صبح کنارش مشغول عبادت بودم، هیچ گاه در تمام این مدت احتمال هم نمی دادم که او امام عصر «عج» روحی فدا باشد.

به هر حال در عالم خواب از آن آقا پرسیدم: فرج شما کی خواهد بود؟ فرمود:

نزدیک است به شیعیان ما بگویید دعای ندبه را روزهای جمعه بخوانند.^۱

آیا می دانید کجا آن امام مهربان مظلوم واقع شده است؟
آنجایی که یک جوان ۱۸ ساله به جای اینکه با اشتیاق به دنبال امام زمانش بگردد، و از دوری او اشک فراق به پهنای صورتش بریزد، در کوچه و پس کوچه های محله به دنبال «CD» های جدید می گردد، و انگار نه انگار که گمشده ای دارد، و گمشده اش در انتظار جستجوی او در کوه و بیابان به سر می برد.

آیا می دانید کجا این عزیز زهرا(س) مظلوم واقع شده است؟

آنجایی که شیعه اش با بیش از پنجاه سال سن، به جای اینکه محاسن سفیدش را در پیشگاه خداوند متعال برای تعجیل در امر فرج مولایش گرو بگذارد، غافل از امام زمانش در شب

۱. ملاقات با امام زمان ۴۵.

آیا میدانید کجا این عزیز زهرا (س) مظلوم واقع

نشینی های آن چنانی به سر می برد و به کلی فراموش کرده
است که آن ساعات تعلق به چه کسی دارد. و وظیفه انسان در
آن ساعات چیست؟

آیا می دانید کجا این امام غریب مظلوم واقع شده
است؟

آنجایی که یک زن به جای آنکه زینب گونه با عفت و
پاکدامنیش با درست تربیت کردن فرزندانش، و تضرع های نیمه
شبش، به فکر فرج آقا و مولایش باشد یا مانتوهای رنگارنگ و
چاک خورده کوتاه، و روسریهای زننده از جمله قرمز رنگ و
آرایشهای فریبنده در کوچه و بازارها، مشغول به تاراج بردن
دین جوانان ساده لوح می باشد.

آیا می دانید کجا این آقا مظلوم واقع شده است؟

آنجایی که مؤمنان و متشرعان را، شیطان با قرصهای
خواب آور به نام سریالهای ایرانی و خارجی، چنان سرگرم
نموده، که به جای اینکه منتظر امام زمانشان باشند، در انتظار

ادامه سریال جمعه به جمعه، شنبه به شنبه، و خلاصه هفته به هفته نشسته و منتظر اند، فقط به امید اینکه شب شود تا آنها با دنبال کردن سریال مورد علاقه شان ساعت عمر گرانقدر خود را این گونه پر نمایند.

آقا امام زمان (عج) هر لحظه منتظر است

اگر شیطان تا لحظه مرگ انسانها، دست از گمراه کردن آنها بر نمی دارد، آقا امام زمان (عج) مهربان هم تا دم مرگ آنان، دست از گذشت و ایثار بر نمی دارد، و مانند جلد مظلومش حضرت علی علیه السلام که بر سر بستر مرگ قاتل همسر باوفایش در رحمت گشود. ولی او با نشناختن امام زمانش وارد خانه رحمت نشد و از درِ ذلت وارد جهنم گردید. امام زمان (عج) هم در رحمتش را تا لحظه آخر باز نگه می دارد. ولی ما نباید بگذاریم کار به جایی بکشد که قلب آن اندازه تیره گردد، که دیگر جایی برای دیدن حق نماند. و کور دل از در

آقا امام زمان (عج) هر لحظه منتظر است

خانه رحمت دور شده و در دره جهل و نادانی خود را بیندازیم،
آری، امام زمان (عج) هر لحظه منتظر است، و همواره برای آن
لحظه دعا
می کند.

آن عزیز دعا می کند برای آن جوان ۱۸ ساله ای که
توسط غذاهای مسموم از قبیل سی دی های مبتذل و الگوهای
غربی که به وسیله شیطان مسموم شده است، با پناه بردن به
درمانگاه امام زمانش شفا یافته، و با روحی سالم به صف
منتظران واقعی پیوندد، و قلب امامش را شاد گرداند.

بلی آقا امام زمان «عج» منتظر است، منتظر همان شیعه ای
است که با خوابیدنش جای یکی از یاران باوفایش را خالی
گذاشته است، منتظر است تا بیدار شود، و دست و صورت خود
را از گناه، با آب حیات توبه بشوید و با پوشیدن لباس تقوی
در صف یارانش قرار گیرد.

آری؛ امام زمان «عج» منتظر است و دعا می کند برای آن خانمی که با شکافهای مانتویش که به مانند شمشیری ایمان جوانان را چاک داده است. از خواب غفلت بیدار شود. و با چادری دوخته شده از ایمان، خود را بپوشاند، و با قلبی پاک شده توسط توبه، به فکر مرهم گذاشتن بر زخمهای جوانان جامعه با ساده زیستن و پاک اندیشیدن همگام با شوهرش در آماده سازی جامعه برای ظهور مولایشان باشند.

مناجات آقا امام زمان «عج»

سید بن طاووس رضوان الله میفرماید که: در یک سحرگاه در سرداب مطهر از حضرت صاحب الامر ارواحنا فداء این مناجات را شنیده ام که می فرماید:

«خدایا شیعیان ما را از شعاع نور ما و بقیه طینت ما خلق کرده ای، آنها گناهان زیادی به اتکاء بر محبت به ما و ولایت ما کرده اند، اگر گناهان آنها گناهایی است که در ارتباط با تو است از آنها بگذر که ما را راضی کرده ای و آنچه از گناهان

آنها در ارتباط با خودشان و مردم است، خودت بین آنها را اصلاح کن و از خمسی که حق ما است، خودت به آنها بده تا راضی شوند و آنها را از آتش جهنم نجات بده و آنها را با دشمنان ما در سیخط خود جمع نفرما»^۱

علامه مجلسی «رضوان الله» میفرماید: در بسیاری از تألیفات متأخرین این حکایت ذکر شده و در بعضی از آن کتب جملات امام به نحوه دیگر ذکر گردیده است^۱ که به علت جلوگیری از ازدیاد مطلب از نقل کردن آنها خودداری می کنیم. آری، امام زمان «عج» هزار و چند سال است که مظلومانه منتظر است، و این داد مظلومیت را از طریق تشرفات به شیعیانشان رسانده اند، ولی متأسفانه هیچ کس به این موضوع توجهی نکرده است و با بی توجهی و نادیده گرفتن حق، این مظلومیت را صد چندان گردانیده اند. چرا که اگر همان اول با توجه به این موضوع با یکپارچه شدن، دست به دست هم

۱. ملاقات با امام زمان ص ۱۲۴

می دادند، و برای یاری امام زمانشان شرایط را مساعد می ساختند ما هم اکنون شاهد این همه گناهان که منجر به جنایتها، خیانتها، و حق شکنی ها و ... نبودیم، و در یک جامعه سالم از دینی سالم و امامی معصوم بهره مند بودیم.

هنوز هم دیر نشده

هنوز هم برای رسیدن به این آرزوی دیرینه دیر نشده، کافی است با رساندن داد مظلومیت آقا امام زمان (عج) به گوش یکدیگر، بیداد گران را رسوا و نقشه های شومشان را بر ملا سازیم، و با اتحاد و یک پارچگی امام مظلوم خود را یاری نماییم، و با مهیا نمودن اسباب فرج آن بزرگوار زمان ظهور را لحظه به لحظه، و آن به آن نزدیکتر گردانیم، که طبق فرمایش وجود مقدس آقا بقیه الله «ارواحنا فداه» فرج و گشایش تمام کارهای ما در گرو فرج آن وجود مقدس می باشد.

و به یقین با ظهور آقا تمام گرفتاریها، غصه ها، ضعف ها، گناهان، خلاصه تمام بدیها از بین می روند. و مزه زندگی واقعی را در آن زمان می توان چشید، برآستی حیف نیست، انسان با پیروی از حق از همه باطل ها نجات پیدا نکند؟

کلمه حق به میان آمد

گاهی اوقات دیده می شود، بعضی ها برای کالایی کم ارزش تا پای جان ایستادگی می کنند، برای نمونه نزاع در صیف ها، جهت خرید مایحتاج روزانه از قبیل نان و غیره را می توان نام برد. در حالی که اگر از این شخص پرخاشگر سؤال شود چرا با مردم نزاع و دعوا می کند؟ غالباً کلمه حق بر زبان این افراد براحتی می چرخد، و جملاتی از قبیل، من نمی گذارم حقم را کسی بخورد، حق گرفتنی است، دادنی نیست. و هرکس باید حق خودش را بشناسد و امثال این جملات را با کلمه حق بیان می نماید.

حال یکی نیست از این آقا پرسد، صاحب حق تر و
سزاوارتر از آقا امام زمان «عج» می شناسی؟ چرا از او دفاع
نمی کنی؟

چرا اینجا نمی گوئی هرکس باید حق را بشناسد؟
چرا اینجا حرفی از پایمال شدن حق نمی زنی؟
چون این حق میان انبوهی از باطل گم گشته است؟
چون این حق برای رسیدن به حقش، نمی خواهد، با
شیعیانش جنگ و ستیز کند؟

چه خوب است کمی هم به فکر حق واقعی باشیم و برای
او با دشمنانش که نفس اماره و شیطان می باشند بجنگیم.
چه خوب است برای این حق واقعی از همه
چیزمان بگذریم و از این حق پر ارزش که هیچ کس ارزش
واقعی او را جز خداوند متعال نمی داند، کمی با گناه نکردنمان
دفاع کنیم.

براستی چه خوب است، در راه این حق جان دادن.

پاسخ شما چیست؟

آیا شما در مقابل این دادِ مظلومیت؛ چه عکس‌العملی می‌خواهید به عنوان یک شیعه از خود نشان دهید؟
آیا شما هم مثل آنهایی که ایستادند، و شاهد ریسمان بگردن انداختن مولایشان بودند، و هیچ به خودشان زحمت ندادند که فکر کنند، وظیفه آنان در آن لحظه چیست؟ و با بی‌غیرتی تمام اجازه دادند همسر مولایشان، دُخت رسولشان، محبوبه خدایشان را با غلاف شمشیر نقش بر زمین کنند، آیا شما هم به مانند آنها می‌خواهید فقط یک نظار گر باشید؟

آیا شما هم می‌خواهید مثل آنهایی که در صحرای کربلا فریاد مظلومیت امام زمانشان را می‌شنیدند، ولی فکر تاراج خیمه‌های امام زمانشان به آنها اجازه فریاد رسی را نمی‌داد. باشید؟

یا این که می خواهید همانند سربازان امام حسین علیه السلام در کربلا؛ فریاد بر آورید که، اگر بدانیم در راه تو کشته می شویم و سپس زنده می گردیم و پس از آن زنده زنده می سوزیم و بدانیم که هفتاد مرتبه با ما چنین می شود ، هیچ گاه دست از یاریت بر نمی داریم یا صاحب الزمان «عج».

اگر می خواهید این چنین باشید باید، آن چنان که آنان می اندیشیدند، آن گونه فکر کنید. آن چنان زندگی کنید که آنان زندگی می کردند، آن چنان خود را از قبل آماده سازید که آنان خود را آماده ساخته بودند.

ظهور نزدیک است

ظهور را دور ندانیم زیرا طبق شواهد و قرائن بسیار نزدیک است. انسان اگر به خود تلقین کند که هدف و مقصود مورد نظرش ، دور و دست نیافتنی است ، زود خسته می شود

و در بعضی مواقع از پا می افتد، به گونه‌ای که ناامیدی در او اثر می کند، و ادامه راه برایش غیر ممکن می گردد.

ولی برخلاف: کسانی که دور را در نظرشان نزدیک می کنند، با کوشش و جدیت و زنده نگه داشتن امید در قلبشان، هر دوری را نزدیک می سازند، و هر مشکلی را آسان می کنند.

بزرگترین بدی دور پنداشتن زمان ظهور، ناامیدی و در پی آن خسته شدن می باشد، و بزرگترین عیب و پر ضررترین عامل برای نرسیدن به هر هدفی، همین ناامیدی است. از این رو، انسانهایی که هدف را دور می پندارند با از دست دادن امیدشان سست می شوند و آن اعمالی که وظیفه رسیدن به مقصد است را انجام نمی دهند، و همین امر باعث شکست آنها می گردد. برای مثال شما یک کوهنورد را در نظر بگیرید، اگر به قله با ناامیدی نگاه کند، به افکار منفی دچار شود، هیچ وقت به آن قله نمی رسد.

می دانید چرا؟

چون اولین کاری که می کند سعی و کوشش را توسط افکار منفی کنار می گذارد. و اولین قدم به عقب بوسیله افکار منفی صورت می گیرد، که یک شخص ناامید به خودش تلقین می کند، و مهمترین و بزرگترین ضربه همین افکار و پروبال دادن به آن می باشد، که در اینجا انسان باید هر نوع افکار ناشی از ناامیدی را سریعاً از خودش دور کند، و افکار امیدوارانه را در خود تقویت نماید.

چرا که تمام این افکار جز القائات شیطان چیز دیگری نمی باشد.

برای مثال اگر افکار ناامیدانه ای از نظیر اینکه حالا کو تا ظهور آقا.

مگر می شود در دوره ما بیایند؟
این همه دوره ها گذشته نیامده اند.

ظهور نزدیک است

چقدر جمعه گذشته است و چندین میلیون نفر دعا کرده اند ،
ولی آقا نیامدند.

باید اسباب ظهور آماده شود.

باید دنیا پر از ظلم شود و ...

در اینجا انسان باید با مثبت گرایی، جنبه های مثبت موضوع را
به خودش القاء کند، از قبیل این که، ظهور به فرمان خداست نه
کس دیگر.

آیا خداوند متعال قدرت آن را ندارد که در یک شب اسباب
ظهور آقا را فراهم سازد ؟

آیا با این همه ظلم در سراسر جهان، شرایط مساعد نگردیده
است ؟

مگر هدف از ظهور غیر از این است که دنیا از ظلم و ستم
خالی شود، زمانی که پر شده باشد ؟

آیا قدرتمندان با زورگوئی هایشان هنوز این پیمان را پر
نکرده اند ؟

مگر پیمانۀ ظلم با چه چیز پر می شود؟

با یک نگاه به بعضی از مسائل دنیا، و بعضی از کردار جوانان، و برخی از اعمال زنان شوهردار، و بعضی از پرونده‌های دادگاه‌ها، لبریزی پیمانۀ ظلم را به وضوح می توان دید.

ما ظلم را فقط کشتن مردم و یا گرفتن اموال آنها می دانیم. در صورتی که ظلم واقعی آن بلاهایی است که بر روح مردم وارد می شود. روح را به تباهی می کشاند. ظلم اعمال بعضی ها است که روحهای چون آئینه را سیاه و کثیف می کند. ستم غیر از این نیست که جوانی را با یک «سی دی» از امام زمانش جدا کرده و او را در دامن شیطان می اندازند.

خلاصه با این نوع القائات که هر یک از آنها خود به تنهایی می تواند شرایط آمدن منجی عالم بشریت را فراهم سازد، باید خودمان را از ناامیدی نجات دهیم.

درست است من گناهکار هستم، ولی از کوچکترین گناه
پشیمانم، و از روی نادانی مرتکب آنها شده‌ام
درست است من لیاقت ندارم، و نسبت به آن همه خوبان که در
بین مردم مخفی هستند، ارزشی ندارم، ولی خدای بخشنده‌ای
دارم، خدای مهربانی دارم، خدای من سریع‌الرضا است، او زود
راضی می‌شود و در رحمتش را می‌گشاید، چرا که در قرآن
کریم می‌فرماید:

«الرَّ كِتَابَ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ
إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»^۱

منم خدای بسیار مهربان، این کتابی است که ما آنرا به
سوی تو فرود آورده‌ایم. برای این که مردم را بامر و فرمان
پروردگارشان از تاریکیها به سوی روشنایی و به راه قادر و
توانای ستوده شده بیرون آوری.

«وَاِذَا جَاءَكَ الَّذِيْنَ يُوْمِنُوْنَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ
كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلٰى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ اِنَّهُ مِّنْ عَمَلٍ مِّنْكُمْ سَوْءً
اِبْجَهَالَهُ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَاصْلَحَ فَاِنَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ»^۱

و هر گاه نزد تو آیند کسانی که به آیات و نشانه های ما ایمان دارند ، پس بگو : سلام و درود بر شما پروردگارتان بر خود رحمت و مهربانی را واجب و لازم گردانیده که هر کس از شما به نادانی کار بدی را کرده باشد و پس از آن توبه و بازگشت نماید و خود را اصلاح و شایسته گرداند محققا خدا آمرزنده مهربان است .

۳- «وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا اِلَّا
وُسْعَهَاۗ اُولٰٓئِكَ اَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيْهَا خَالِدُوْنَ»^۲

و کسانی که ایمان آورده و گرویده اند، و کارهای شایسته به جای آوردند، ما کسی را جز به اندازه کمتر از طاقت

۱. الانعام / ۵۴.

۲. الاعراف / ۴۲.

دعای من هم اثر دارد

و توانائیش تکلیف نکرده و فرمان نمی دهیم، آنان یاران بهشت اند، همیشه در آن می مانند.

اکنون با بودن خدایی به این مهربانی نباید امیدوار بود؟
از کجا معلوم که دعای من، فرج را جلو نیندازد.
من ها، ما می شویم، و ماها نیز می توانیم از یاران آن حضرت
گردیم.

خدایی که آنقدر با گذشت است، اگر ببیند به واقع من
برای ظهور امام گریه و زاری می کنم. سعی و تلاش میکنم، تا
مانعی برای ظهورش نباشم، از کجا معلوم دعای مرا اثر ندهد؟
مگر این همه دعاها که اثر می کند، عاملش چه بوده است؟
نه آدمی از کره دیگر بوده، و نه انسانی بدون کوچکترین گناه
درست است نباید گناه کرد.

ولی اگر خدای ناکرده گناهی از ما سر زد، باید ناامید شویم و
همه کارها را رها کنیم؟ اتفاقاً برعکس، باید بیشتر دعا کنیم و

بیشتر به فکر جبران آن باشیم، چه جبرانی بالاتر از اینکه خواسته هایمان را با خواسته خدا یکی کنیم.

آنچه را که او می خواهد، بخواهیم.

برای آنچه او می خواهد دعا کنیم که خداوند متعال طبق آیه ذیل خود از منتظران می باشد.

«هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمْنًا مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا مَمْتَرُونَ»^۱

آیا کفار و ناگرویدگان جز این را منتظر و چشم براه اند، که فرشتگان بیایندشان، یا حکم و فرمان پروردگارت بیاید، یا برخی از آیات و نشانه های پروردگارت بیاید، روزی که برخی از آیات پروردگارت بیاید ایمان آوردن و گرویدن کسی که پیش از این ایمان نیاورده، یا خیر و نیکی ای راکب نکرده و

۱. الانعام / ۱۵۸.

استقامت منتظران

بدست نیاورده نفع و سود ندهد بگو منتظر و چشم براه باشید ما هم چشم براهیم.

استقامت منتظران

ما باید از دشمنان آقا امام زمان (عج) با استقامت تر باشیم. یکی دیگر از دلایل مظلومیت آن بزرگوار همین کم استقامتی ما شیعیان می باشد، در واقع همان قدری که شیطان و عوامل آن برای دور پنداشتن زمان ظهور فعالیت می کنند، ما برای نزدیک دانستن آن کوشش نمی کنیم.

آیا می دانید چه چیز باعث فعال نبودن ما شده است؟

بی اهمیت دانستن موضوع و مظلومیت آقا هم در همین جا است.

ظهور که تنها خواسته آن بزرگوار می باشد، برای ما بی اهمیت گردیده است. چه بسا همین بی اهمیتی اعتقادات ما را

هم کم رنگ گرداند، بگذارید با یک مثال ظلم خودمان را با بی اهمیتی به آقا و مولایمان بازگو کنم.

در نظر بگیرید یک نفر به خاطر عده ای به زندان افتاده باشد، و تمام خورد و خوراک آنان از دارایی آن شخص که به خاطر این عده در زندان بسر می برد تأمین گردد، حال آنها هم بتوانند با یک سری فعالیتها آن شخص بی گناه را که به خاطر گناه و اشتباه آن عده در زندان افتاده است را آزاد نمایند، ولی آن عده به عوض این که به فکر آن شخص بی گناه باشند، با دارایی های آن شخص مشغول خوشگذرانی های گوناگون باشند، و هیچ گونه کوششی برای آزادی آن شخص انجام ندهند.

آیا این عده ظالم نیستند؟

آیا آن شخص زندانی مظلوم واقع نشده است؟

نقش مردم در تأخیر ظهور

ما دقیقاً آن عده ای هستیم که آقایان را بر اثر گناهانمان در زندان غیبت انداخته ایم، و از امکانات و دارائی اش استفاده می کنیم، ولی برای فرج آن وجود مقدس که برای آزادی خود ما سودمند می باشد، و از طرفی خود ما سبب طولانی شدن زمان غیبت شده ایم. هیچ کاری انجام نمی دهیم، باز می پرسم آیا بنظر شما این ظلم نیست؟

آیا این ستم نیست که مولای انسان در ناراحتی باشد، و ما در خوشگذرانی خودمان باشیم؟

بیائید با استقامتی چون حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام امام زمان خود را با ریختن هواهای نفس بر فرات دنیا یاری کنیم، و با عمل خویش فریاد بزنیم که ما منتظر عاشورایی دیگر هستیم، تا محبتمان را به آن امام مهربان نشان دهیم، و با حمایت از امام زمانمان دشمنانش را خوار و ذلیل گردانیم.

امام زمان «عج» مهربان است

حاج سید احمد رشتی می فرماید:

« در سال ۱۲۸۰ هـ ق به قصد حج بیت الله الحرام از رشت به تبریز آمدم و در خانه حاج صفر علی تاجر تبریزی منزل کردم، اما چون قافله ای نبود، متحیر ماندم تا آن که حاج جبار جلو دار سدهی اصفهانی برای طربوزن (از شهرهای ترکیه) بار برداشت. من هم به تنهایی از او حیوانی کرایه کرده و رفتم. وقتی به منزل اول رسیدم، سه نفر دیگر به تشویق حاج صفر به من ملحق شدند یکی حاج ملا باقر تبریزی، دیگری حاج سید حسین تاجر تبریزی و سومی حاجی علی نام داشت، که خدمت می کرد به اتفاق یکدیگر روانه شدیم. به ارزنة الروم (شهری تجاری و صنعتی در شرق ترکیه) رسیدیم، و از آن جا عازم طرابوزن شدیم. در یکی از منازل بین این دو شهر، حاج

جبار جلودار آمد و گفت: منزلی که فردا در پیش داریم مخوف است. امشب زودتر حرکت کنید که همراه قافله باشید.

این مطلب را به خاطر آن می گفت. که ما در سایر منازل غالباً با فاصله ای پشت سر قافله راه می رفتیم. لذا سه ساعت پیش از اذان صبح حرکت کردیم. حدود نیم فرسنگ از منزل خود دور شده بودیم که ناگه هوا دگرگون شد و برف باریدن گرفت، به طوری که هر کدام از رفقا سر خود را پوشاندند و به سرعت رفتند، اما من هر قدر تلاش کردم نتوانستم به آنها برسم، و در آنجا تنها ماندم.

از اسب پیاده شدم و در کنار راه نشستم. خیلی مضطرب بودم، چون حدود ششصد تومان برای مخارج سفر همراه داشتم و ممکن بود و راهزن یا دزدی پیدا شود و مرا به خاطر آنها از بین ببرد. بعد از تأمل و تفکر با خود گفتم: تا صبح همین جا می مانم بعد به منزل قبلی برگشته، چند محافظ همراه خود می آورم و به قافله ملحق می شوم. در همان حال ناگاه باغی

مقابل خود دیدم و در آن باغ باغبانی که در دست بیئی داشت مشاهده می شد. او بر درختان می زد که برف آنها بریزد. پیش آمد و نزدیک من ایستاد و فرمود: تو کیستی؟ عرض کردم: رفقایم رفته و من مانده و راه را گم کرده ام.

فرمود: نافله شب بخوان تا راه را پیدا کنی!! مشغول نافله شب شدم، بعد از تهجد (نماز شب) دوباره آمد و فرمود: نرفتی؟ گفتم: و الله راه را بلد نیستم. فرمود: زیارت جامعه بخوان تا راه را پیدا کنی.

من جامعه را از حفظ نداشتم و الآن هم از حفظ نیستم، با آن که مکرر به زیارت عتبات مشرف شده ام. از جا برخاستم و زیارت جامعه را از حفظ خواندم. باز آن شخص آمد و فرمود: نرفتی؟ بی اختیار گریه ام گرفت و گفتم: همین جا هستم چون راه را بلد نیستم. فرمود: عاشورا بخوان. من زیارت عاشورا را از حفظ نداشتم، و الآن هم از حفظ نیستم. در عین حال برخاستم و مشغول خواندن زیارت عاشورا از حفظ شدم، و تمام لعن و

سلام ها و دعای علقمه را خواندم، دیدم باز آمد و فرمود:
نرفتی؟ گفتم: نه.

تا صبح همین جا هستم. فرمود: الآن تو را به قافله
می رسانم. ایشان رفت و بر الاغی سوار شد و بیل خود را به
دوش گرفت و آمد. فرمود: پشت سر من بر الاغم سوار شو.

سوار شدم و اسب خود را کشیدم، اما حیوان حرکت
نکرد. فرمود: دهنه اسب را به من بده. ایشان بیل را به دوش
چپ گذاشت و عنان اسب را با دست راست گرفت و به راه
افتاد. اسب کاملاً آرام می آمد و ایشان را اطاعت می نمود، بعد
آن بزرگوار دست خود را بر زانوی من گذاشت و فرمود: شما
چرا نافله نمی خوانید؟ نافله، نافله، باز فرمود: شما چرا
عاشورا نمی خوانید؟ عاشورا، عاشورا، بعد فرمود: شما
چرا جامعه نمی خوانید؟ جامعه، جامعه، جامعه.

در زمان طی مسافت، مسیری دایره ای را پیمودیم ناگاه
برگشت و فرمود: اینها رفقای شما هستند. دیدم رفقا کنار نهر

آبی پیاده شده مشغول وضو برای نماز صبح بودند. از الاغ پیاده شدم تا سوار اسب خود شوم. نتوانستم، آن جناب پیاده شد و بیل را در برف فرو کرد و مرا سوار نمود و سر اسب را به سمت رفقا برگرداند.

من در آن حال به فکر افتادم این شخص که بود که به زبان فارسی صحبت می کرد. در حالی که این طرفها زبانی جز ترکی و مذهبی جز مذهب مسیحی وجود ندارد، تازه چطور به این سرعت مرا به رفقای خود رسانید؟

به خاطر همین افکار پشت سرم را نگاه کردم، اما کسی را ندیدم و از ایشان اثری نیافتم و بعد از این جریان به رفقای خود ملحق شدم.^۱

۱. کتاب امام زمان ج ۱۱۷/۲.

چگونه راه پیدا کنیم

چگونه راه را پیدا کنیم

ما هم گم‌شده ایم، می‌دانید کجا؟ در بیابانهای جهل و نادانی، در حالیکه نمی‌دانیم چه باید بکنیم تا راه را پیدا کنیم، یا چه بخوانیم.

آقای سید احمد رشتی طبق دستور مولا و آقایش، نافله خواند، عاشورا خواند و جامعه خواند. آقایش او را به مقصد رساند، و از سرگردانی نجات داد. مولایم ما چه بخوانیم ما که با اعمال بدمان، با افکار شوممان از روی عمد خود را در بیابانهای جهل و گمراهی گم کرده‌ایم.

نافله بخوانیم؟ جامعه بخوانیم؟ یا عاشورا؟

اثر عاشورا

چه نیکوست ما هم برای پیدا کردن راهمان، نگاهی به عاشورا داشته باشیم. چرا که در روایتهای متعددی اصحاب آقا امام زمان «عج» را به اصحاب آقا امام حسین علیه السلام تشبیه کرده‌اند، بیابید برای پیدا کردن راهمان توسط وجه مشترک بین اصحاب

آقا امام حسین علیه السلام و حضرت بقیة الله «عج» به خیمه های آن بزرگوار در شب عاشورا برویم. و همان گونه که یاران امام حسین علیه السلام وفاداری خود را نسبت به امام زمان خود اعلام داشتند، ما نیز یاری خود را بر امام زمان خود عرضه نماییم.

امام حسین علیه السلام همواره یاران خود را مورد آزمایش قرار می داد. در منزل های گذشته خیلی ها که به خاطر دنیا و متعلقات آن آمده بودند، خود را به این امید در میان لشکریان پاک امام مخفی کرده بودند که با پیوستن مردم به آن حضرت در جنگ فاتح شوند، و آنها به غنائم و پُست های خوبی برسند.

ولی با سخنان امام که بوی شهادت می داد و از غنائم، پُست و مقام خبری نبود، گروه گروه امام زمان خویش را ترک کردند؛ و با تنها گذاشتن امامشان از کاروان رستگاری و

سعادت گریختند و توسط وابستگی به دنیا، خود را از بهشت به قعر جهنم انداختند.

و اما در آخرین منزل، آخرین آزمایش و آخرین انتخاب، امام علیه السلام سخنان خویش را با حمد و سپاس خداوند متعال و سپاسگذاری از نعمت های پروردگار شروع نموده تا آنجا که فرمودند:

«اما بعد؛ من اصحاب و یارانی بهتر از یاران خود ندیده ام و اهل بیت و خاندانی با وفاتر و صدیقتر از اهل بیت خود سراغ ندارم. خداوند به همه شما جزای خیر دهد. آنگاه فرمود:

جدم رسول خدا صلی الله علیه وآله خبر داده بود که من به عراق فرا خوانده می شوم و در محلی به نام «کربلا» فرود آمده، و در همانجا به شهادت می رسم. و اینک وقت این شهادت رسیده است. به اعتقاد من همین فردا، دشمن جنگ خود را با ما آغاز خواهد نمود، و حالا شما آزاد هستید و من بیعت خود را از شما برداشتم و به همه شما اجازه می دهم که

از این سیاهی شب استفاده کرده، و هریک از شما دست یکی از افراد خانواده مرا بگیرد، و به سوی آبادی و شهر خویش حرکت کند، و جان خود را از مرگ نجات بخشد، زیرا این مردم فقط در تعقیب من هستند و اگر بر من دست بیابند با دیگران کاری نخواهند داشت. خداوند به همه شما جزای خیر و پاداش نیک عنایت کند.»^۱

اعلام وفاداری

اولین کسی که بعد از سخنرانی امام لب به سخن گشود، برادرش حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام بود که گفت: « برای چه تو را بگذاریم و برویم؟ آیا برای این که بعد از تو زنده بمانیم؟ خدا هرگز چنین روزی را قسمت ما نکند.»^۲

۱. سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا ص ۱۴۳.

۲. زندگی اباعبدالله الحسین (ع) ص ۱۰۲

اعلام وفا داری

یاران، برادران و فرزندان آقا امام حسین علیه السلام از سخنان حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام متابعت کردند. سپس هر کدام طفلان مسلم و مسلم بن عوسجه و سعید بن عبدالله حنفی و زهیر بن قین همگی اعلام وفاداری کردند، آنگاه امام آن شب را با اصحابش صبح فرمود در حالی که با مناجات و تضرع سپری نمودند. و عده‌ای در رکوع و جمعی در سجود بودند.

اگر چشم دل باز کنی امام زمانت را می بینی و اگر گوش دل باز کنی، صدای دلربایش را می شنوی که می فرماید: همان چیزهایی که توانست آن قوم بی وفا را از امام زمانشان جدا کند، باعث طولانی شدن غیبت من هم شده است. همان عوامل باعث بیرون رفتن بعضی از شماها از خیمه من هم خواهد گردید.»

شاید پرسید کدام عوامل؟ تا آنجایی که من می دانم یک عامل مهم باعث تمام آن بدبختیها برای آنان که امام حسین

علیه السلام را ترک کرده اند شد، و آن دل بستگی زیاد به دنیا بود که توسط آن دل بستگی، دچار غفلت از امام زمانشان شدند. آنهایی که بین راه رفتند در اصل نیامده بودند که بمانند، چرا که تا متوجه شدند آنجا کسی زنده بر نمی گردد و پست و غنیمتی در کار نیست، همه آنهایی که برای آباد کردن دنیایشان آمده بودند، به دنبال دنیای پستشان از کاروان خوشبختی گریختند و خود را در تاریکی دنیا به ته دره گمراهی انداختند.

آیا شما می خواهید در خیمه بمانید؟

اگر می خواهید در خیمه بمانید، باید از همین حالا به فکر آن روز باشید، چرا که بر اساس روایات، فرج یک دفعه اتفاق می افتد، و شما باید از قبل خود را آماده کنید. در غیر این صورت با مشکل روبرو خواهید شد، و مشکل آن روزجداً جبران ناپذیر خواهد بود.

برای مثال در نظر بگیرید، یک دفعه عده ای میهمان بدون اطلاع قبلی و آمادگی شما، درب منزلتان را بزنند و قصد ماندن

آیا شما می خواهید درخیمه بمانید

چند روزی را در خانه شما داشته باشند . یقیناً برای شما پذیرا بودن آن وضعیت مشکل است. ولی اگر از مدتی قبل این میهمانهای عزیز اطلاع داده باشند. حالا اگر شما خود را آماده ساخته باشید به نحو احسن پذیرای آنان خواهید شد، و به اندازه توانایی خود پذیرایی خواهید کرد، ولی وضعیت سومی هم هست.

حالا در نظر بگیرید میهمانان از قبل اطلاع داده اند، ولی شما اهمیت نداده اید، یا باور نکرده یا موضوع را ساده گرفته اید، به محض رسیدن مهمانان به علت فراهم نبودن وسایل برای پذیرایی شما غافلگیر شده، و کاری جز ابراز شرمندگی نمی توانید انجام دهید، در بعضی از مواقع جداً پذیرایی غیر ممکن می شود، چرا که امکانات فراهم نشده است. مسئله فرج هم مثل همین حالت سوم می باشد که به ما از قبل گفته شده، آقا یک روز تشریف می آورند، و شما باید آماده باشید تا شرمنده نشوید. حال یا بر اثر باور نداشتن، و یا بر اثر سهل

انگاری، این آمادگی را در خودمان ایجاد نکرده‌ایم. حال شرمندگی در آن موقعیت چه مفهومی دارد خدای داننده و بس، شاید پیرسید وسایل آمادگی برای آن روز چیست؟

وسایل مورد نیاز

اولین وسیله: برای ماندن در کنار حضرت گناه نکردن می‌باشد، باید از هم اکنون با تحت کنترل قرار دادن خود، زیر نظر یک اُستاد اخلاق با تزکیه نفس خود را از هر صفت رذیله‌ای که منجر به گناه کردن می‌شود، پاک نماییم.

دومین وسیله: نداشتن حساب با مردم است. یار آقا امام زمان (عج) هیچ حساب و کتابی نباید، چه مادی و چه معنوی، با کسی داشته باشد، البته منظور این نیست که یک ریال هم به کسی بدهکار نباشد، بلکه ناراضی نداشته باشد، که این مسئله بسیار مهم می‌باشد.

سومین وسیله: دلبستگی نداشتن است. شاید این از همه مهمتر باشد، چرا که هیچ چیزی مثل این موضوع خیمه حضرت

رسائل مورد نیاز

امام حسین علیه السلام را خالی نکرد، زیرا همین وابسته نبودن به دنیا می تواند خیمه حضرت صاحب الزمان «عج» را پر نگه دارد، که این هم توسط تزکیه نفس انشاء... درست خواهد شد. چهارمین موضوع: اعتقادات صحیح است، از همین حالا کسانی که می خواهند نام نویسی در رکاب آقا را شروع کنند، بروند و اعتقادات خود را اصلاح نمایند، هرچه کجی و ناراستی در آن وجود دارد اصلاح کنند، که در آن روز ولایت حرف اول را می زند، چرا که هدف از ظهور حتی هدف از خلقت، همین ولایت داشتن است و بس.

پنجمین موضوع: دانستن و عمل بر اساس احکام شرعی اسلام است، منظور همان دانستن احکام و عمل به رساله می باشد، چرا که تمام دستورات زندگی طبق خواسته خداوند متعال در این کتاب جمع آوری شده است، و اگر ما بخواهیم دقیقاً همان کارهایی که خداوند متعال دوست دارد، در زندگی

خود انجام دهیم، و همان کارهایی را که دوست ندارد انجام ندهیم، باید طبق رساله مراجع تقلید عمل نماییم.

حال که فهمیدیم چه چیزی ما را در خیمه نگه می دارد و نمی گذارد با تنها گذاشتن امام زمان «عج» خود را از بدبخت و بی چاره نمائیم، چه خوب است از همین حالا دست به کار بشویم که فقط خدا می داند هر لحظه تعلل چقدر ضرر دارد. چه بسا همین الان هم دیر شده باشد، ولی چون امام زمان خوبی داریم، باید خوشحال باشیم، چرا که اگر کسی در حال تزکیه نفس باشد ظهور اتفاق بیفتد، جزء یاران آقا قرار می گیرد، حتی اگر تزکیه آن کامل نشده باشد. ولی به شرط آن که واقعاً مشغول تزکیه نفس باشد.

بیایید ما هم با جدی گرفتن خدا و امام زمانمان از آن کسانی باشیم که با تزکیه نفس کامل منتظر واقعی آقا امام زمان (عج) آماده در صف اول قرار گیریم.

علت گریز چیست؟

مهمترین چیزی که باعث می شود از خیمه بیرون بزنیم چیست؟

همان طور که یادآور شدیم، مهمترین عاملی که باعث ترک حضرت در آن لحظه سرنوشت ساز می شود، دلبستگی به دنیا می باشد به این جهت در روایت می فرمایند:

«حُب الدنیا رأسُ کُلِّ خَطِيئَةٍ»

سر منشأ همه خطاها علاقه به دنیا است.

در اینجا هم همین عامل باعث می شود شما به اشتباه و به خطا تصمیم بگیرید، و خیمه را ترک کنید. نگویید در آنجا ما ترک لذائذ می کنیم، خدا می داند که نمی شود.

برای نمونه یک مثال کوچک برایتان می زنم.

در نظر بگیرید یکی مشغول نگاه کردن فیلم سینمایی می باشد و یک نفر در آن موقع حساس فیلم تقاضایی از او می کند، بارها دیده شده است که سربچی از فرمان می شود و

فیلم را رها نمی کنند. حالا شما حساب کنید فیلم دنیا چقدر حساس تر و مهیج تر و اسیرکننده تر و فریبنده تر است. حواستان را باید از اکنون جمع کنید. که در آنجا یک لحظه فقط آن هم در زمان حساس فیلم به شما دستور داده می شود و اگر پیگیر فیلم و سریال باشید، مطمئن باشید از پای تلویزیون دنیا بلند نمی شوید. و همین نشستن شما را به قعر بدبختی و فلاکت خواهد انداخت.

همه ما باید با شروع کردن به تزکیه نفس این مرض بزرگ را معالجه نماییم. تا هیچ چیزی مانع از اجرای فرمان مولایمان نگردد، و مانند کوهی استوار در خیمه آقا بمانیم و در آن زمانی که چراغها را روشن می کنند صورت نورانی امام زمان خوب خودمان را ببینیم که به ما لبخند رضایت بخش می زنند، انشاءالله.

تزکیه نفس چیست؟

پاک کردن روح از هر نوع صفت رذیله را تزکیه نفس می‌نامند. به این معنا که انسان توسط یک استاد اخلاق طبق روش و طی مراحل بتواند، روح خود را از هر آلودگی ای پاک گرداند، همان طور که هر چیز احتیاج به تمیز کردن و بعد از تمیز شدن احتیاج به تمیز نگه داشتن دارد، روح انسان هم به همان ترتیب می‌باشد.

لازم به تذکر است بدانیم که تمام ارزش توبه به گناه نکردن بعد از توبه می‌باشد، که البته اجمالاً این نوع مطالب را می‌توانید در کتب مربوط به تزکیه نفس مطالعه فرمایید.

هیچ انسانی نیست که بتواند بگوید احتیاج به تزکیه نفس ندارد. اگر کسی این حرف را بزند، نشانه این است که او بیشتر از هر کس نیازمند تزکیه نفس می‌باشد، چرا که خود این حرف، ناشی از مریضی نفس است. دقیقاً مثل اینکه یک انسان بگوید: من احتیاج به حمام ندارم.

تزکیه نفس به دو طریق امکان پذیر می باشد.

۱- روش گام به گام.

۲- روش کلاسیک.

۱- روش گام به گام: به این طریق انجام می گیرد که استاد شاگرد را کاملاً تحت کنترل خود قرار می دهد، و صفات رذیله آن را دانه به دانه، طبق دستوراتی که به آن شاگرد می دهد معالجه می نمایند، و تا یک رذیله درمان نشده باشد به سراغ رذیله دیگر نمی رود که این روش مدت زمان فراوانی لازم دارد و معمولاً شاگردان در سنین بالا موفق به تزکیه کامل می گردند. مگر این که از سعی و تلاش فراوانی برخوردار باشند.

۲- روش کلاسیک و مرحله ای: در این روش، استاد با دادن دستوراتی طی مراحل امراض روحی شاگرد را معالجه می نماید. به این ترتیب که در هر مرحله تعدادی از صفات رذیله از بین می روند. البته بستگی به شاگرد دارد که به چه

هنگام دعا کردن آقا امام زمان (عج)

شکلی این مراحل را سپری نماید. هم می تواند با سستی و تنبلی یک مرحله را در چندین سال سپری کند و هم می تواند با سعی و کوشش و پشت کار در چندین ماه طی نماید. برای اطلاع بیشتر در این رابطه می توانید به کتابهایی همانند «سیر الی الله» و «تزکیه روح» و امثال آنها مراجعه فرمایید.

به امید آن که همه ما به خاطر قرار گرفتن در کنار مولایمان هر چه زودتر خود را زیر نظر یک استاد خوب اخلاق از تمام صفات رذیله پاک سازیم.

هنگام دعا کردن آقا امام زمان «عج»

این گونه که از ظاهر امر پیداست، امام «عج» زمانی دست به کار می شوند که مردم یک پارچه به در خانه شان برای مددخواهی و کمک بروند. امام زمان «عج» هم مانند جدشان سالها منتظر آن ساعت نشسته اند، که مردم زمانشان بفهمند امور آنها را هیچ کس جز امام معصوم نمی تواند در دست بگیرد.

امام زمان «عج» هم مانند جدشان به مانند کسی که در چشمش خار و در گلویش استخوان باشد، انتظار این مردم را می کشد تا آنان با فریاد «اللهم عجل لولیک الفرج» به این انتظار طولانی خاتمه دهند، تا بار دیگر در خانه اهل بیت علیهم السلام بر روی شعیانش باز گردد و آنها بتوانند از نعمتهای الهی به درستی استفاده کنند و با درست استفاده کردن نعمتهای الهی، شکر واقعی را به جای آورند. چرا که بزرگترین شکر و تشکرها، به جا و به موقع استفاده کردن یک نعمت می باشد.

برای مثال اگر برای شما یک پارچه ای هدیه بیاورند، بهترین تشکر آن دوختن و پوشیدن آن لباس در بهترین مجالس می باشد، یا یک وسیله منزل را در بهترین جای خانه قرار دادن، حال اگر آن پارچه را از روی نادانی دستگیره آشپزخانه اش قرار دهند، چه ناشکری و ناسپاسی بزرگی کرده اند.

هنگام دعا کردن آقا امام زمان (عج)

در زمان غیبت هم از بیشتر نعمتهای الهی به همین شیوه استفاده می گردد. که مهمترین آنها قرآن کریم می باشد انشاءالله با آمدن آقا امام زمان «عج» از تمام نعمتهای الهی به نحو احسن استفاده خواهد شد.

آن هنگام است که معنی واقعی نعمت دانسته می شود. زیرا آنجاست که پارچه به آن زیبایی لباس تقوا بر قامت انسان دوخته می شود به جای این که در آشپزخانه دنیا قرار گیرد. آنجاست که انسان با درک قرآن مجید به بالاترین ثروتهای معنوی و مادی دست پیدا می کند.

آری، آقا هم به واقع از منتظران می باشد. منتظر فریاد همگان به در خانه رحمتشان. تا خداوند متعال با دیدن این صحنه رحمی به ما بفرماید، و از باقی مانده زمان غیبت بگذرد و اجازه خروج به قلب عالم امکان را صادر فرماید. انشاءالله.

آنچه سبب نزدیک شدن ظهور می شود

هیچ چیزی در عالم بدون عامل یا عواملی تشکیل نمی شود. همان گونه که برای تشکیل یک کارخانه احتیاج به وسایل و دیگر عوامل از نظیر نیروی انسانی و نیرو می باشد.

حال برای به وجود آمدن یک حکومت جهانی آن هم توسط منجی عالم بشریت، چه عواملی مورد نیاز می باشد؟ ما نمی توانیم احتیاجات این امر مهم را با افکار خود بسنجیم و بیان کنیم، پس باید از زبان صاحب حکومت شنیده شود.

برای مثال اگر یک کارخانه ای بخواهد راه اندازی شود، هیچ کس نمی داند و نمی تواند وسایل مورد نیاز این کارخانه را اعلام کند، مگر آن مهندس یا مهندسی که برای راه اندازی این کارخانه در نظر گرفته شده اند.

حال کارخانه عظیم دنیا را که به واقع مدت طولانی ای خوابیده و از کار افتاده است را، هیچ کس نمی تواند وسایل

وسایل مورد نیاز از دیدگاه آقا امام زمان (عج)

مورد نیازش را اعلام کند، جز صاحب این کارخانه، و آن هیچ کس نیست جز آقا امام زمان «عج».

وسایل مورد نیاز از دیدگاه آقا امام زمان «عج»

طبق روایات، آقا امام زمان «عج» به برخی از وسایل مورد نیاز برای راه اندازی این کارخانه توسط خروج و ظهورشان به شرح زیر اعلام فرموده اند.

آقا امام زمان «عج» در نامه خود به شیخ مفید «ره» مطالب فراوانی را یادآور می شوند. در بخشی از آن نامه خطاب به وی چنین می فرمایند:

«... اگر شیعیان ما که خداوند آنان را به اطاعت خود موفق بدارد، در وفا کردن به عهد و پیمانی که با ما دارند یکپارچه می شدند، هرگز از دیدار و ملاقات با ما محروم نمی شدند. (ظهور ما به تأخیر نمی افتاد)

البته سعادت حضور در کنار ما با معرفت و شناختی
حقیقی هرچه زودتر نصیب آنان می‌گردد.^۱

حال من نمی‌دانم کارگران که با تعطیل بودن این
کارخانه از گرسنگی معنوی و مادی رو به هلاک شدن هستند،
چرا دست به دست هم نمی‌دهند و با ایجاد این عوامل و آماده
ساختن شرایط، این کارخانه را راه اندازی نمی‌کنند، و خود را
از فقر و بیچارگی نجات نمی‌دهند؟

چه خوب است در اینجا علت این کار شکنی که سبب
فقر و بدبختی خود آنها شده است، بررسی شود.

با اولین نگاه می‌توان فهمید که مهمترین عامل، عده‌ای
سود جو می‌باشند که خود را در میان همین کارگران مخفی
کرده‌اند و با سنگ اندازی و سم پاشی کارگران را از راه
اندازی کارخانه باز می‌دارند و با تبلیغات منفی از قبیل این که،
اگر آقا تشریف بیاورند، همه را می‌کشند، و اموال را مصادره

۱. بحارالانوار ۱۶۷/۵۳، ح ۸.

وسایل مورد نیاز از دیدگاه آقا امام زمان (عج)

می کنند، و از این قبیل سخنان. و با وسائلی سر گرم کننده، از قبیل ماهواره، سی دی های مختلف، اینترنت (بخش مبتذل آن)، بازیهای کامپیوتری (غیر مجاز) و غیرو، کارگران را غافل از سود دهی کارخانه بعد از راه افتادن می نمایند.

این عده می دانند اگر کارخانه عظیم اهل بیت علیهم السلام شروع به کار نماید، دیگر هیچ کس مجبور نیست جنس تقلبی خریداری نماید، دیگر هیچ کس مجبور نیست غذاهای مسموم کننده بجای غذای سالم مصرف کند.

آری؛ اگر این کارخانه راه اندازی شود، آنها باید بساط تقلب و نفاق را جمع کنند و از کسادی به هلاکت بيفتند. از این رو به جان این کارگران ساده افتاده اند و نمی گذارند، آنها جهت راه اندازی این کارخانه اقدام نمایند. ولی انشاءالله کارگران زرنگتر از این هستند که بخواهند باز خود را با غذای مسموم مریض کنند، و با این امراض مختلف خود را به دست مرگ روحی بسپارند.

انشاءالله این کارگران طبق دستورات مولایشان با هم
یکپارچه و متحد می شوند. و با فریاد «اللهم عجل لولیک
الفرج» و گناه نکردن خواستار امام زمانشان می شوند. و با نقشه
های شیطان برای یکی از آنها دور پنداشتن زمان ظهور است،
با نزدیک دانستن آن به خود و آگاه کردن خودشان مشتی
محکم بر دهان دشمنان آقا امام زمان (عج) می بینند زد.

منظور از کثرت دعا برای فرج چیست؟

آقا امام زمان «عج» در حدیث خود به اسحاق بن یعقوب
فرمودند:

«و اکثرُوا الدعا بتعجیل الفرّج فان ذلك فرجکم»^۱

«برای نزدیک شدن فرج من بسیار دعا کنید. زیرا فرج

من، فرج شما خواهد بود.»

۱. کمال الدین و مقام النعمة ۲/ ۲۸۵ ب ۴۵ ح ۴.

منظور از کلمات دعا برای فرج چیست

در این حدیث چندین پیام وجود دارد که ما به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱- کلمه بسیار، شاید حاکی از این باشد که پافشاری ما در فرج آقا اثر فراوانی دارد. به این منظور که باید خداوند متعال ببیند که ما زندانی بودن خود را توسط طولانی شدن زمان غیبت درک کرده ایم، و سختی آن را احساس نموده ایم و متوجه شده ایم که برای بدست آوردن آزادیهای خود باید به درگاه خداوند متعال دعا کنیم و در این دعا باید با پافشاری و استقامت نیاز فراوان خود را ابراز نماییم.

۲- کلمه بسیار دعا کنید، می‌تواند نشانه ای باشد مبنی بر اثر داشتن دعاها به این منظور که تأکید و تائید می‌شود دعاهای شما کار ساز و اثربخش خواهد بود، که خود این مطلب خیلی امیدوار کننده می‌باشد. چرا که در هر موضوعی قرار نیست دعای هر کس و هر دعایی مستجاب شود، باید شرایطی رعایت شود. ولی در اینجا پیام عمومی و بدون قید و

شرط ذکر گردیده که همین موضوع جای شکر بسیار دارد. چرا که در این موضوع به این مهمی، یعنی مهم ترین واقعه تاریخ بشریت «مسئله ظهور» خداوند متعال به همه ما اجازه فرموده، دخالت داشته باشیم و مهمتر از آن، این که دخالت‌های ما را مؤثر قرار داده است، و در این رابطه از خیلی چیزها و شرایط چشم پوشی فرموده است. همان طور که می دانید هرچه موضوع پر ارزشتر باشد، شرایط مشکل تر می گردد.

ولی خداوند متعال در اینجا جداً کرم و بزرگواری فرموده که شرایطی جهت بدست آوردن سهام فراوان از این پروژه به این عظیمی قرار نداده است، و آن را برای ما به صورت رایگان اعلام نموده است. به امید آن که بتوانیم از این سهام به طور احسن استفاده و بهره برداری نماییم.

۳- شاید مهمترین مسئله‌ای که در این حدیث به وضوح دیده می شود این است که آقا می فرمایند: مسئله فرج را در متن زندگیتان قرار دهید، و از حاشیه قرار گرفتن آن جلوگیری کنید،

منظور از کثرت دعا برای فرج چیست

و بی‌اهمیتی نسبت به این مسئله که باید هدف شما باشد را کنار بگذارید، و رفع همه هم و غم خود را در فرج من بدانید. که متأسفانه کمتر کسی به این موضوع توجه می‌کند.

به واقع ما امام زمانمان را در حاشیه زندگیمان قرار داده‌ایم. برای اثبات این حرف نگاهی به اعمال روز و هفته و ماه و سال خود بیندازیم، آیا غیر از این است؟

اگر همت کنیم در هفته‌ای یک روز جمعه دعای ندبه‌ای بخوانیم.

آیا غیر از این است؟

اگر مریض شویم یا گرفتاری ای برایمان رخ دهد، یک «یا صاحب‌الزمان» (عج) بگوییم، مگر در حاشیه قرار گرفتن به چه می‌گویند؟

باید گرفتاری خود را نبودن امام زمان (عج) بدانیم.

باید مریضیهای خویش را نبودن امام زمانمان بدانیم.

از نبودنش مریض باشیم.

از نبودنش گرفتار و غصه‌دار باشیم.

چرا ما هدف خلقت خود را فراموش کرده‌ایم؟

هدف از خلقت ما پیدا کردن و شناختن و راضی کردن
انام زمان(عج) و تحت تعلیم و تربیت قرار گرفتن آن وجود
مقدس جهت کسب کمالات می‌باشد.

البته برای رسیدن به این هدف وسایلی مورد نیاز است. از
قبیل زن، فرزند، خانه، ماشین و غیره که خداوند متعال در
اختیار ما قرار داده است. ولی ما اصل هدف را رها کرده‌ایم و
چسبیده‌ایم به وسایل مورد نیاز هدف.

این گونه نباشیم

برای مثال در نظر بگیرید یک وسیله‌ای را جهت رفت و
آمد به اداره در اختیار یک کارمند قرار داده‌اند، و آن شخص
کارمند همه سرگرمیش رسیدن به آن وسیله شده باشد، و هرگز

این گونه نباشیم

به اداره نرود آیا این کار عقلانی است؟ اصلاً این آقا کارمند محسوب می شود؟

ما هم دقیقاً کار همان کارمند را انجام می دهیم. الان در این دوره تمام وسایل مورد نیاز را خداوند متعال جهت اعمالی که ظهور آقا را جلو بیندازد، در اختیار ما قرار داده است. ولی ما هیچ گاه از این وسایل برای رسیدن به آن هدف استفاده نمی کنیم. و برعکس جهت خوشنودی دشمن خداوند متعال که شیطان می باشد مصرف می نماییم. که خود این موضوع بحثی گسترده دارد که با آن را در کتاب عاقل کیست توضیح داده ایم. الا از خودتان پرسید آیا آقا امام زمان (عج) را در حاشی زمان گیمان قرار نداده ایم؟

۴- یکی دیگر از موارد کثرت دعا برای فرج ، شاید خواندن دعاهایی است که از ناحیه ائمه اطهار علیهم السلام جهت تعجیل در امر فرج وارد شده که برای این منظور هم می توانید، به کتابهای ادعیه آقا امام زمان «عج» مراجعه فرمایید.

همان طور که پیش از این هم یادآور شدیم، بهترین و نزدیکترین و سریعترین راه جهت به مقصد رسیدن، که منظور ظهور آقا امام زمان روحی فداه می باشد، همان راههایی است که اهل بیت علیهم السلام به ما نشان داده اند، که یکی از آنها دعاهایی است که از ائمه اطهار علیهم السلام نقل و در اختیار ما قرار داده شده است. که انشاءالله با اهمیت دادن به این دستورات و با مداومت در خواندن آنها سعی کنیم، قدمی در نزدیک شدن ظهور آقایمان برداشته باشیم.

نکته دیگر این که سعی شود، دعاها را دسته جمعی بخوانیم زیرا اثر بخش تر خواهد بود، چرا که یکی از اصول یک پارچه شدن که حضرت امر فرموده بودند، همین مسأله دسته جمعی دعا کردن است، که انشاءالله در اولین نیمه شعبان شاهد راهپیمایی های میلیونی در سراسر کشورمان جهت دعا برای فرج آقا و مولایمان باشیم، و با این کار قلب نازنینش را شاد و فرجش را نزدیکتر گردانیم.

فقط گناه عامل دوری از آقا امام زمان (عج) نمی باشد

فقط گناه عامل دوری از آقا امام زمان «عج» نمی باشد

درست است که گناه یکی از عوامل دور شدن انسان از امام زمانش می باشد، ولی به یقین تنها عامل نمی باشد. متأسفانه در بعضی از مواقع این عامل توسط یک عمل مستحب انجام می گیرد، و یکی از عوامل دیگر غفلت می شود. و غفلت در یک عمل مستحبی مخفی می گردد.

برای مثال: ازدواج موقت یک عمل مستحبی محسوب می شود ولی چه بسا اگر همین عمل بدون دلیل قابل قبولی و از روی هوای نفس صورت بگیرد، انسان را از مولایش غافل می گرداند.

شیطان برای این که انسانها را از مولایشان دور گرداند، برای هرکس به فراخور حال خودش دامی فراهم می سازد، هیچ گاه نمی آید آن شخصی را که سعی می کند حتی یک گناه انجام ندهد را تشویق به خوردن مسکرات و امثال این کارها نماید،

بلکه او را دعوت به یک عمل مستحبی مانند گرفتن متعه و از این قبیل مستحبات می‌نماید.

انسان باید در جاده و صراط مستقیمی که پشت سر آقا و مولایش حرکت می‌کند، کاملاً هوشیار باشد، و گول هیچ علامت فریبنده و یا جاده انحرافی را نخورد، که همه اینها دام‌های شیطان می‌باشد، تا انسان را از جاده اصلی منحرف گرداند، و در تاریکی بیابانهای جهل و نادانی به هلاکت بیندازد، و با زهر غفلت مرگ روحی‌اش را جشن بگیرد، و اما زمانش را داغ‌دار گرداند، چرا که معمولاً جاده غفلت منتهی به دره وحشتناک گناه و معصیت می‌گردد.

مکرر دیده شده عمل مستحبی که در چهار چوب صراط مستقیم انجام نگرفته است، در آخر منجر به حراء گدیده است که چند نمونه از آن را برای شما ذکر می‌نماییم.

مجالس دعا و روضه‌هایی که باعث قضا شد نماز صبح گردد، انسانی را در نظر بگیرید که تا نیمه‌های شب به مجالس

زیارت مستحبی

عزاداری می‌رود، ولی نماز صبحش قضا می‌شود. مستحبی که منجر به ترک واجب گردیده و ترک واجب حرام می‌باشد. حال انسانی را در نظر بگیرید که چندین زن را به عقد موقت خود در بیاورد، ولی در مورد زن در خودش کوتاهی نماید، مستحبی می‌شود که منجر به حرام گردیده است. حال کوتاهی کردن به چه چیزهایی گفته می‌شود؟ خود بحث مفصلی دارد که ما آن را در کتاب «آیا متعه مستحب است؟» توضیح داده ایم.

زیارت مستحبی

گرچه زیارت اهل بیت علیهم السلام مستحب می‌باشد، ولی متأسفانه زیاد دیده شده، این مستحب با عمل حرام همراه می‌گردد. یا زن با آرایش کردن و نپوشاندن محل آرایش خود، یا مرد توسط کنترل نکردن چشم و امثال این اعمال، زیارت مستحب خود را تبدیل به عمل حرامی گردانیده‌اند.

خنده دار است در بعضی از جاها همان خانم با آن وضع فجیعش یا آن مرد با آن چشم زناکارش کلمه قبول باشد را به طرف مقابل می گوید .

حال از اینها باید پرسید چه چیزی مورد قبول خدا و حضرات باید قرار بگیرد؟ رفتن شما به حرم با گناه کردنتان در آن محل مقدس؟ خدا می داند در بعضی از اوقات اعمال بعضی از ما چقدر باعث اذیت ائمه اطهار علیهم السلام می گردد.

صله رحم

عمل مستحبی ای که جداً در این دوره در بعضی از اوقات، از اولین قدمش تا آخرین قدمش فقط برای انجام حرام صورت می گیرد.

شما در نظر بگیرید، آقا با خانمی می خواهند صله رحم که به معنای دیدار کردن اقوام نزدیک و با خبر شدن از احوالات آنان می باشد را انجام دهند. در بعضی از مواقع آقا برای زن میزبان

صله رحم

صورت خود را تراشیده، کت و شلوار جدید، و عطر مورد علاقه خانم‌ها را زده، به اتفاق همسرش به راه می‌افتد. ناگفته نماند خانم هم برای مرد میزبان خود را به زیبایی آرایش کرده، لباسی که تنگ و بدن‌نما می‌باشد را پوشیده، و عطری را هم که باعث تحریک شهوت می‌شود به خود زده دنبال شوهر به راه افتاده است. حالا این طرز رفتن با این ثبات، کجایش صله رحم است؟ من نمیدانم حال در آن میهمانی چه اتفاقاتی می‌افتد، آن هم بماند.

شرایط عمل مستحبی باید در نظر گرفته شود
مجالس دعا و روضه مستحب است به شرط آن که واجب قضا نشود. ازدواج موقت مستحب است به شرط این که حق زن دائم نادیده گرفته نشود و لازم به تذکر است برای عده‌ای که در حال تهذیب نفس می‌باشند، یکی از شرایطش این است که از روی هوای نفس انجام نگیرد.

مستحب یعنی کاری که خدا را خشنود می‌کند، پس به هیچ وجه نباید با حرام که باعث خشم پروردگار می‌شود، مخلوط گردد. در پایان یک مثال عرض می‌کنم تا کاملاً هدف خود را بیان کرده باشم. ما با خدا و ائمه اطهار علیهم‌السلام چه می‌کنیم؟

در نظر بگیرید عزیزتان را که خیلی دوستش دارید همان شما باشد و شما بخواهید از وی پذیرائی نمایید، و می‌دانید برای مثال برنج خیلی دوست دارد، ولی از رب و لوبیا به شدت بدش می‌آید. حالا شما یک لوبیا پلو برای او فراهم می‌کنید، همان برنجی را هم که دوست داشته است، آغشته به آنچه بدش می‌آید کرده‌اید، دقیقاً مانند عمل مستحبی است که مخلوط به گناه شده باشد.

چه اندازه خوب است انسان هر عملی را که می‌خواهد انجام دهد، قبل از انجام دادن آن خوب بررسی نماید، آیا چیزی که امام زمانش را از او دور می‌کند در آن عمل وجود دارد، یا

خیر؟ اگر وجود نداشت عمل نماید حتی اگر کم بود. چرا که بهتر است از عمل زیادی که مخلوط به حرام باشد و باعث دور شدن انسان از مولایش گردد.

به امید آنکه همه ما مواظب کوچکترین اعمال خود باشیم زیرا همین اعمال است که انسان را از امام زمانش دور و یابۀ آن وجود مقدس نزدیک می گردانند.

درد آقا امام زمان «عج»

درد آقا امام زمان «عج» همان درد کهنه و جانسوز دیگر ائمه اطهار علیهم السلام می باشد. همان دردی که باعث شهادت همه آنها شده. همان دردی که حق را پایمال کرد. و ناحق را حق جلوه داد. همان دردی که خیمه ها را آتش زد. و پهلوه ها شکست. و ریسمان بر گردن افکنده آری؛ همان دردی که زهر را بجای شهد قرار داد. و همان دردی که خانه امن را مبدل به زندان گردانید.

درد غریبی، درد مظلومیت، درد بی کسی. تاکنون از خود پرسیده‌اید که اگر امام درد بی کسی نداشت، چه کسی جرأت داشت در به پهلوی همسر از گل بهترش بزند؟
چه کسی جرأت داشت در کوچه‌های بنی‌هاشم سیلی به صورت همسرش بزند!

چه کسی جرأت داشت ریسمان به گردنش اندازد؟
اگر درد غریبی نبود، چه کسی جرأت داشت گوشواره از گوش دختر سه ساله بیرون آورد؟ نه اینکه باز کند.
چه کسی جرأت داشت سر پدر را برای آتش زدن دل دختر نزد او بیاورد.

اگر درد مظلومیت نبود چه کسی جرأت داشت قطب عالم امکان را زهر دهد، و به جای شیون، پای کوبی کند؟
درد فرزندشان نیز همان درد است، برای اثبات درد بی کسی آن بزرگوار همین بس که شیعیانش را در گوشه و کنار این جهان پهناور می‌کشند، و قلب نازنیش را به درد می‌آورند.

شرایط عمل مستحبی باید در نظر گرفته شود

برای بازگوکردن درد غربتش همین بس که شایع می‌کنند، امام زمان را نمی‌شود دید، هر کس بگوید او را دیده‌ام کذاب است. حدیثی را وارونه تفسیر می‌کنند، تا امام زمان را تنها در غربت نگه دارند.

برای نشان دادن درد مظلومیتش باز همین بس که بعضی از شیعیانش چنان در گناهان مختلف غوطه‌ور گشته‌اند که گویی فراموش کرده‌اند امامی هست و آنها را می‌بیند، و از کرده آنها مثل زهر چشیده‌ای به خود می‌پیچد.

کی می‌رسد آن روز که ما بیدار شویم، و با چشم دل آن سیمای دلربای منتظرش را ببینیم.

کی می‌رسد آن روزی که ما بیدار شویم، و با گوش دل صدای فریاد

«هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي»

«آیا یاری‌کننده‌ای نیست که مرا یاری کند» را بشنویم.

کی می رسد آن روزی که ما بیدار شویم و با زبان دل ندای
لیک لیک سر دهیم تا در آغوشش آرام گیریم.
آیا به نظر شما هنوز زمانش نرسیده است، تو را به خدا شما
بگویید دیر نشده است؟

وای بر حال من اگر او از بهر فرجش فقط یک آه بکشد.

وای بر حال من اگر او انتظار یاری مرا داشته باشد.

وای بر حال من اگر او در غیبتش آرزوی ظهور داشته باشد.

«بابی انت و امی و نفسی و اهلی و مالی» اگر با گناه نکردنم تو
را شاد می کنم، جان عالم به فدایت. اگر عالمی را بدهند که با
گناهی دل تو را آزردده سازم، به خدا سوگند که دیگر عالمی را
به خم ابروی تو نخواهم داد.

اگر با دعا برای فرجت، دل مهربانت را شاد می کنم،
خواب را بر خود حرام می سازم، و همه آرزوهایم را زیر خاک
دفن می نمایم، و جز برای فرجت لب به درگاه خداوند مهربان
باز نمی کنم.

درد آقا امام زمان (عج)

«بابی انت و اسی و نفسی و اهلی و مالی» اگر با کنار گذاشتن هوای نفس و بندگی شیطان، بندگی خدا را فقط و فقط باید اختیار کنم، تا به کمالی که معرفت تو می باشد برسم، و تو را در غربت و بی کسی و مظلومیت یاری نمایم.

خدایا شاهد باش و یاریم کن، تا با جنگی نمایان نفس سرکش خود را مطیع و فرمانبردار امام خویش سازم، و یوق بندگی شیطان را از گردن خود باز، و به دست و پای شیاطین انسی و جنی بزنم و به درگاهش تقدیم دارم، تا شاید دلش را کمی آرام ساخته و مرهمی باشم بر زخمهای کهنه آن بزرگوار،
آمین. والسلام

فهرست

مقدمه.....	۷
پیشگفتار.....	۸
تنها ترین غمخوار.....	۱۱
واژه داد.....	۱۱
مظلوم کیست ظلم چیست ظالم کیست.....	۱۲
دیدار بادلدار.....	۱۵
آیا میدانید کجا این آقا مظلوم واقع شده است.....	۱۹
آقا امام زمان هر لحظه منتظر است.....	۲۰
مناجات آقا امام زمان (عج).....	۲۲
هنوز هم دیر نشده.....	۲۴
کلمه حق به میان آمد.....	۲۵

- پاسخ شما چیست ؟ ۲۷
- ظهور نزدیک است ۲۸
- دعای من هم اثر دارد ۳۳
- استقامت منتظران ۳۷
- نقش مردم در تاخیر ظهور آن حضرت ۳۹
- امام زمان (عج) مهربان است ۴۰
- چگونه راه را پیدا کنیم ۴۴
- اثر عاشورا ۴۵
- اعلام وفاداری ۴۸
- آیاشمامی خواهید در خیمه بمانید ۵۰
- وسایل مورد نیاز ۵۲
- علت گریز چیست ؟ ۵۵
- تزکیه نفس چیست ؟ ۵۷

- هنگام دعا کردن آقا امام زمان (عج) ۵۹
- آنچه سبب نزدیک شدن ظهور می شود ۶۲
- وسایل مورد نیاز از دیدگاه آقا امام زمان (عج) ۶۳
- منظور از بسیار دعا کنید چیست ۶۶
- اینگونه نباشیم ۷۰
- فقط گناه عامل دوری از آقا امام زمان (عج) نمی باشد ۷۳
- زیارت مستحبی ۷۵
- صله رحم ۷۶
- شرایط عمل مستحبی باید در نظر گرفته شود
- درد آقا امام زمان (عج) ۷۹

از همین مؤلف منتشر گردیده است.

«امام زمان من گیه»

شاید این اولین کتاب کودکان می باشد که به صورت شعر در مدح و شناخت آقا امام زمان «عج» به چاپ رسیده باشد. در این کتاب دختری از پدر خود جویای احوال امام زمانش می شود. و پدر بر اساس روایات مستند، امام زمان (عج) را به دختر خود معرفی می نماید. و علت های غیبت را با بیانی زیبا برای دخترش شرح می دهد. و برخی از شرایط ظهور را نیز برای وی توضیح می دهد. و آن دختر به پدرش قول می دهد که در ایجاد و مساعد کردن شرایط برای ظهور مولایش همکاری نماید.

از همین مؤلف به زودی منتشر می شود. انشاءالله

«آیا متعه مستحب است؟»

در این کتاب پیرامون ازدواج موقت مطالبی عنوان گردیده است. تا همه وظیفه خودشان را نسبت به احکام الهی درک کرده، و بی مورد احکامی که انجامش مربوط به آنها نمی شود را انجام ندهند. و با بی جا استفاده کردن یک عمل مستحبی خود را گرفتار خشم خداوند متعال قرار ندهند.

از همین مؤلف به زودی منتشر می‌گردد. انشاءالله

«عقل چیست؟»

در این کتاب شخص عقل بر اساس آیات و روایات معرفی

می‌گردد.

همچنین در این اثر ویژگیهای فرد عاقل، و راههای به

دست آوردن عقل نیز بیان گردیده، و در پایان نویسنده عوامل

کاهش یافتن عقل را شرح و توضیح داده است.

از همین مؤلف به زودی منتشر می شود. انشاءالله

«چهل قدم تا بهشت»

در این کتاب نویسنده چهل نکته که می تواند هر زندگی را در این دنیا برای انسان شمه ای از بهشت گرداند و هم چنین عمل به آنها می تواند با رحمت خداوند متعال به بهشت برین راهنمایی کند، بیان گردیده است.

از همین انتشارات به زودی منتشر می شود. انشاءالله

«ارتباط با آقا امام زمان عج»

در این کتاب توسط گردآورنده دعاها، نمازها، و ذکرهایی

جهت تعجیل در فرج آقاوبرآورده شدن حاجات به استناد

ورویات معتبرجمع اوری گردیده است.

به زودی از همین انتشارات منتشر می شود. انشاءالله

«رفتار پیامبر (ص) در منزل»

تألیف محمد علی چنارانی در ۹۶ صفحه رقعی توسط این انتشارات به چاپ خواهد رسید.

این کتاب شامل یک پیشگفتار و مطالب گوناگون و متنوعی پیرامون رفتار آن حضرت در منزل نسبت به همسر و فرزندان و هم چنین بیان کردن مطالبی پیرامون شیرین شدن زندگی و بهشت گردیدن محیط خانواده با استناد به مدارک گوناگون تاریخی، روایی به شیوه‌ای زیبا بیان گردیده، که خانواده‌ها می‌توانند محیط زندگی خود را با انجام آن رفتارها تبدیل به گلستانی زیبا نمایند.

از همین انتشارات منتشر گردیده است.

«پیوند خوبان، چگونگی ازدواج حضرت زهرا (س)»

تألیف محمد علی چنارانی در ۶۴ صفحه رقعی توسط این انتشارات به چاپ رسیده است.

مطالب این اثر، شامل یک پیشگفتار و چهار فصل بدین شرح می‌باشد: فصل اول، ولادت حضرت زهرا، فصل دوم در آستانه ازدواج و چگونگی آن، فصل سوم برخی از ویژگیهای اخلاقی آن بانوی گرامی و فصل چهارم، رفتار آن حضرت در منزل با استناد به احادیث و روایات تاریخی صحیح مورد بررسی قرار گرفته است.

وَأَخِرُ دَعْوَانَا أَرْحَمَ اللَّهُ رَبَّ الْعَالَمِينَ
وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِهِ الْمُصْطَفَى
وَاللَّهُ أَجْمَعِينَ وَلَا سِيَّامَا الْحُجَّةُ الْمُنْتَظَرُ
الْإِمَامُ الثَّانِي عَشَرَ عَجَّلَ اللَّهُ فَوْجَهُ الشَّرَّافَ
وَجَعَلَنَا مِنْ أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ وَشِيعَتِهِ
وَمُحِبِّيهِ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ
وَبَرَكَ اللَّهُ عَبْدًا قَال: آمِينَ